

ماهیت حقوقی شرکتهای تعاونی سهامی عام

دکتر سیدبهباز پورسید،* محمود مطهرپور**

تاریخ دریافت ۹۰/۱۱/۲۹ | تاریخ پذیرش ۹۱/۱۱/۱۶

ابلاغیه ۱۳۸۴/۳/۱ رهبر معظم انقلاب اسلامی در مورد سیاست‌های کلی اصل (۴۴) قانون اساسی که مهم‌ترین هدف آن تأمین عدالت اجتماعی، افزایش بهره‌وری، بازتوزیع ثروت، فقرزدایی و افزایش رقابت‌پذیری در اقتصاد ملی است، استخوان‌بندی متصلب نظام اقتصادی و حقوقی کشور را به حرکت و قبول انعطاف بلکه تغییر بنیان رهنمون شد. راهبردی که با تصویب قانون کامل شد و علی‌الاصول ظهور این آثار در گرو اجرای کامل و دقیق قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل (۴۴) مصوب بهمن ۱۳۸۶ است. اگرچه اغلب قانون نحوه اجرای سیاست‌های اصل (۴۴) را قانونی اقتصادی می‌دانند، اما بخش‌های عمده‌ای از آن به زیرساخت‌های حقوقی مربوط بوده و چارچوب آن، طراحی ساختاری در حوزه نظام تجارتي است و بر همین اساس تأثیر زیادی بر حقوق شرکت‌ها، به‌ویژه در حوزه شرکتهای تعاونی و سهامی داشته که البته مغضول مانده است. یکی از نهادهایی که برای نیل به این اهداف ذکر شده، شرکت تعاونی سهامی عام است که ما سابقه قانونی در خصوص حقوق شرکت‌ها نداریم. موضوع اصلی این مقاله تبیین ماهیت حقوقی شرکتهای تعاونی سهامی عام است. بدین منظور پس از بیان نظرات مختلف در مورد ماهیت این تأسیس و ذکر اوصاف و تفاوت‌های آن با شرکتهای سهامی و تعاونی، چنین نتیجه گرفته شده که ماهیت حقوقی این شرکت جدای از شرکتهای مذکور در ماده (۲۰) قانون تجارت است ضمن آنکه با تعاونی‌های متعارف هم تفاوت دارد و باید برای تحلیل ماهیت حقوقی این شرکت‌ها بر مبنای قانون اصل (۴۴) به عنوان شرکتی دارای ماهیت حقوقی جدید و مختلط اقدام کرد که اصول شرکتهای تعاونی و سهامی توأمان در آن اجرا می‌شود.

کلیدواژه‌ها: شرکت تعاونی سهامی عام؛ شرکت تجاری؛ شرکت تعاونی متعارف؛ شرکت تعاونی فراگیر ملی؛ شرکت سهامی

* استادیار پژوهشی مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی (نویسنده مسئول)؛

Email: pourseyedbe@yahoo.com

** کارشناسی ارشد حقوق خصوصی، دانشکده معارف اسلامی و حقوق، دانشگاه امام صادق (ع)؛

Email: motaharpoor.isu@gmail.com

فصلنامه مجلس و راهبرد، سال نوزدهم، شماره هفتاد، تابستان ۱۳۹۱

مقدمه

سیاست‌های کلی اصل (۴۴) قانون اساسی دارای آثار حقوقی بسیار مهمی در نظام حقوقی - اقتصادی کشور است که متأسفانه از دید حقوق‌دانان مغفول مانده است. سیاست‌های این اصل را نباید سیاست‌هایی برای خصوصی‌سازی تلقی کرد همان‌طور که مقام معظم رهبری در مناسبت‌های مختلف تأکید کرده‌اند، سیاست عدالت‌محوری و به تعبیری بازتوزیع ثروت است (بیانات در اجتماع زائران و مجاوران حرم رضوی، ۱۳۸۶/۱/۱، بیانات در دیدار با مسئولان اقتصادی و دست‌اندرکاران اجرای اصل (۴۴) قانون اساسی، ۱۳۸۵/۱۱/۳۰؛ بیانات در دیدار با رئیس‌جمهور و اعضای هیئت دولت، ۱۳۸۹/۶/۸). بلکه باید شرکت‌های بخش دولتی به گونه‌ای واگذار شوند که به بازتوزیع ثروت بینجامد و کمک کند طبقه فقیر بالا بیاید و بخش تعاونی که ضعیف است، سهمش به ۲۵ درصد اقتصاد کشور برسد (نقیبی، ۱۳۸۸: ۲۰-۱۹). با توجه به ویژگی‌هایی که در قانون نحوه اجرای سیاست‌های کلی اصل (۴۴)، برای شرکت‌های تعاونی سهامی عام پیش‌بینی شده است، به نظر می‌رسد این شرکت‌ها از مهم‌ترین ابزارها در نیل به اهداف سیاست‌های اصل (۴۴) (عدالت اقتصادی، بازتوزیع ثروت، امکان ورود بدون تبعیض همه افراد و بنگاه‌های اقتصادی به عرصه سرمایه‌داری) هستند.

در بند «الف» سیاست‌های کلی اصل (۴۴) قانون اساسی که از سوی مقام معظم رهبری ابلاغ شد در مورد سیاست‌های کلی توسعه بخش‌های غیردولتی و جلوگیری از بزرگ شدن بخش دولتی، چنین آمده است:

«الف - ۲: سرمایه‌گذاری و مالکیت و مدیریت در زمینه‌های مذکور در صدر اصل (۴۴) قانون اساسی به شرح ذیل توسط بنگاه‌ها و نهادهای عمومی غیردولتی و بخش‌های تعاونی و خصوصی مجاز است:

۲-۳ بانکداری توسط بنگاه‌ها و نهادهای عمومی غیردولتی و شرکت‌های تعاونی

سهامی عام و شرکت‌های سهامی عام، مشروط به تعیین سقف سهام هر یک از سهام‌داران با تصویب قانون» (همان: ۱۹).

همچنین رهبر معظم انقلاب درباره سیاست‌های کلی بند «ج» اصل (۴۴) در ابلاغیه ۱۳۸۵/۱۰/۴ مقرر داشته‌اند: «واگذاری ۸۰ درصد سهام بنگاه‌های دولتی مشمول صدر اصل (۴۴) به بخش‌های خصوصی، شرکت‌های تعاونی سهامی عام و بنگاه‌های عمومی غیردولتی به شرح ذیل مجاز است...» (همان: ۲۳).

در سیاست‌های کلی اصل (۴۴) قانون اساسی برای اولین بار بحث از شرکت‌های تعاونی سهامی عام مطرح شده است و تصویب قوانین مربوط به چگونگی عملکرد این شرکت‌ها، ضوابط و شرایط آنها به مجلس شورای اسلامی واگذار شده تا با مبنا قرار دادن این سیاست‌ها، مقررات لازم را وضع کند. بر همین اساس قانون اصلاح موادی از قانون برنامه چهارم توسعه و اجرای سیاست‌های کلی اصل (۴۴) در سال ۱۳۸۷ به تصویب رسید. این قانون با الهام از سیاست‌های ابلاغی ازسوی مقام معظم رهبری در موادی از شرکت‌های تعاونی سهامی عام را مطرح کرده که با توجه به این مواد و سایر متون قانونی مرتبط، سعی در تحلیل این نهاد حقوقی داریم و درصدد دستیابی به پاسخ پرسش‌های زیر هستیم:

۱. با توجه به سیاست‌های ابلاغی مقام معظم رهبری در مورد اصل (۴۴)، قانون نحوه اجرای سیاست‌های کلی اصل (۴۴) چه راهکارهای حقوقی برای تحقق این سیاست‌ها تدارک دیده است؟

۲. ویژگی‌ها و شرایط شرکت‌های تعاونی سهامی عام چیست؟

۳. ماهیت شرکت‌های تعاونی سهامی عام چیست؟ آیا این شرکت‌ها نوعی از شرکت‌های تعاونی هستند یا گونه‌ای از شرکت‌های سهامی عام؟ یا اصلاً نوع جدیدی از شرکت‌ها هستند که در قانون نحوه اجرای سیاست‌های کلی اصل (۴۴) پیش‌بینی شده‌اند؟
موادی از قانون نحوه اجرای اصل (۴۴) که به این نوع از شرکت‌ها می‌پردازند،

عبارت‌اند از: ماده (۱) بند «۹»، ماده (۵)، بند «د» ماده (۹)، ماده (۱۲)، ماده (۱۲) بندهای «۲»، «۵ و ۷».

قبل از بررسی مواد قانونی، باید گفت تاکنون در خصوص این‌که آیا شرکت‌های تعاونی سهامی عام از نظر حقوق تطبیقی، با سازوکارهایی که برای تشکیل آنها در نظر گرفته شده، سابقه قانونی دارند یا خیر، به پاسخ قطعی دست نیافته‌ایم، اما با توجه به تبعات انجام شده، در هیچ کشوری چنین شرکت‌هایی وجود نداشته و براساس اعلام وزارت تعاون، پس از ارسال نامه معرفی این شرکت‌ها برای کشورهای مختلف آن را امری بدیع و بسیار کارآمد دانسته‌اند.^۱

۱ نظرات مطرح شده در خصوص شرکت‌های تعاونی سهامی عام

با توجه به مشروح مذاکرات مجلس شورای اسلامی که منبع بسیار مهمی در فهم قوانین است، نظرهای زیر در مورد شرکت‌های تعاونی سهامی عام وجود دارد:

۱. عده‌ای معتقدند که این نوع شرکت‌ها، جدید نیستند و نباید اصطلاحات مشهور را با اصطلاحات غیرمشهور جایگزین کرد، چرا که باعث گمراهی استفاده‌کنندگان از قانون می‌شود. این گروه معتقدند در بسیاری از بندهای مذکور در ماده (۱) قانون نحوه اجرای اصل (۴۴)، به جای تعریف به الفاظ، تعریف به حالات صورت گرفته است؛ مثلاً به جای تعریف لفظ «رقابت»، آن را شرح داده‌اند که تشریح رقابت امر دیگری غیر از تعریف آن است و این باعث می‌شود که خواننده نتواند با دسترسی به یک کلیدواژه به ماهیت این اصطلاح پی ببرد.

این عده چنین ادامه می‌دهند که در مورد شرکت‌های تعاونی سهامی عام، قانون اصل (۴۴)

۱. این مطلب در گفت‌وگوی حضوری با مسئول دفتر تعاونی‌های نوع جدید وزارت تعاون ابراز شده است. همچنین در آدرس الکترونیکی www.mcls.gov.ir/newsdetail-4030-fa.html مدیر کل تعاونی‌های نوع جدید (آقای حمید قاسمی) بیان کرده است.

مقرر می‌دارد که نوعی شرکت سهامی عام است؛ پس دیگر تعاونی نیست و شرکت سهامی عام هم در قانون تجارت تعریف شده است همچنین وقتی در قانون تجارت، ماهیت شرکت سهامی عام پذیرفته شده دیگر تعاونی سهامی عام چه معنایی خواهد داشت. به عبارت دیگر امکان مشارکت در شرکت‌های سهامی عام قانون تجارت، هم برای دولت و هم برای بخش خصوصی وجود دارد. از این رو وقتی عبارت «تعاونی سهامی عام» به کار می‌رود، مفهوم جدیدی ابداع می‌شود که در تاریخ تعاونی بخش خصوصی بی سابقه است. حال آنکه شرکت‌های تعاونی، هم سهامی‌اند و هم عام و دیگر احتیاجی به تعریف مجدد نیست. هر شرکت تعاونی باید سهامی باشد در غیر این صورت اصلاً شرکت تعاونی نیست. شرکت تعاونی عام هم است زیرا برای یک نفر تشکیل نمی‌شود و اعضای آن کمتر از هفت نفر نباید باشد. در قانون تجارت نیز درباره تعاون تعاریف خاصی آمده است که باید به آن مراجعه کرد. همچنین در تعاونی‌ها که به صورت بالقوه ظرفیت سوءاستفاده بیشتر است نباید اجازه داد شرکت سهامی عام که یک مصداق قانون تجارت دارد با شرکت تعاونی، یک مفهوم و معنای مشترک بیابد (روزبهانی، ۱۳۸۷: ۱۷۷-۱۷۵).

۲. عده‌ای دیگر با اشاره به تفاوت‌های موجود بین شرکت‌های سهامی عام و تعاونی سهامی عام از یک طرف و شرکت‌های تعاونی و تعاونی سهامی عام از سوی دیگر معتقدند که با توجه به اهداف اصل (۴۴) قانون اساسی و سیاست‌های ابلاغی مقام معظم رهبری که به دنبال عدالت اجتماعی، بازتوزیع ثروت و مشارکت اقشار ضعیف جامعه در عرصه تولیدات می‌باشد، به ایجاد نوع خاصی از شرکت‌ها با کارکردی خاص نیاز است.

در بیان این تفاوت‌ها می‌گویند، در شرکت سهامی عام یک نفر می‌تواند دارای سهام متفاوتی باشد که بر مبنای آن بتواند در انتخاب هیئت مدیره مداخله و مشارکت داشته باشد مثلاً یکی می‌تواند ۱۰ درصد، یکی ۲۰ درصد و یکی ۱ درصد سهم داشته باشد، اما در شرکت تعاونی سهامی عام یک شخص حقیقی نمی‌تواند بیش از ۵/۰ درصد سهم داشته باشد.^۱

۱. البته در برخی قوانین نصاب‌هایی برای تملک سهام در شرکت‌های سهامی درج شده است. مثلاً بر مبنای قانون ←

بنابراین اینکه گفته شود با ایجاد شرکت تعاونی سهامی عام که هیچ فرقی با شرکت سهامی عام ندارد، زمینه سوءاستفاده فراهم می‌شود، صحیح نیست چرا که در شرکت تعاونی سهامی عام هر شخص حقیقی فقط می‌تواند ۰/۵ درصد سهم داشته باشد ولی در شرکت سهامی عام، چنین محدودیتی وجود ندارد. البته خارج از ضوابط قانون تجارت در اداره شرکت‌های سهامی قانون اصل (۴۴) از منظر حقوق رقابت اقدام به قاعده‌گذاری جدید کرده است. از این رو در ماده (۴۷) قانون نحوه اجرای اصل (۴۴) آمده است: «هیچ شخص حقیقی یا حقوقی نباید سرمایه یا سهام شرکت‌ها یا بنگاه‌های دیگر را به نحوی تملک کند که موجب اخلال در رقابت در یک و یا چند بازار گردد».

رویکرد جدید اگرچه ضابطه‌ای کلی تدوین کرده ولی سقفی را برای تملک سهام تعیین نکرده است. از این رو رعایت ضابطه کلی که تملک سهام در همه شرکت‌های تجاری نباید موجب اخلال در رقابت شود یک ضابطه نوعی است که حسب مورد شورای رقابت و وظیفه رعایت و مراقبت از آن را برعهده دارد.

همچنین در بند «ب» جزء «۹» سیاست‌های کلی اصل (۴۴) ابلاغی از سوی مقام معظم

→ تشکیل شرکت‌های بیمه خصوصی و آیین‌نامه مصوب شورای عالی بیمه، سقف تملک سهام اعم از مستقیم و غیرمستقیم برای هر فرد حداکثر ۲۰ درصد تعیین شده است. این نوع مقررات خاص با ضوابط موجود در قوانین عمومی کشور درباره شرکت‌های سهامی قدری متفاوت است. همچنین در خصوص بانک‌ها قانون نحوه اجرای اصل (۴۴) ضابطه‌ای برای تملک سهام تعیین شده است و مقرر می‌دارد:

ماده (۵): بانک‌های غیردولتی و مؤسسات مالی و اعتباری و سایر بنگاه‌های واسطه پولی که قبل و بعد از تصویب این قانون تأسیس شده یا می‌شوند و بانک‌های دولتی که سهام آنها واگذار می‌شود صرفاً در قالب شرکت‌های سهامی عام و تعاونی سهامی عام مجاز به فعالیت هستند. سقف مجاز تملک سهام به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم برای هر شرکت سهامی عام یا تعاونی سهامی عام یا هر مؤسسه و نهاد عمومی غیردولتی ده درصد (۱۰٪) و برای اشخاص حقیقی و سایر اشخاص حقوقی پنج درصد (۵٪) تعیین می‌شود. معاملات بیش از سقف‌های مجاز در این ماده توسط هریک از اشخاص مذکور باطل و ملغی‌الاثراست. افزایش سقف سهم مجاز از طریق ارث نیز مشمول این حکم است و وراثت و یا اولیای قانونی آنها ملزم به فروش مازاد بر سقف، ظرف مدت دو ماه پس از صدور گواهی حصر وراثت خواهند بود. افزایش قهری سقف مجاز سهام به هر طریق دیگر باید ظرف مدت سه ماه به سقف‌های مجاز این ماده کاهش یابد.

رهبری چنین آمده: «انعطاف و تنوع در شیوه‌های افزایش سرمایه و توزیع سهام در بخش تعاونی و اتخاذ تدابیر لازم به‌نحوی که علاوه‌بر تعاونی‌های متعارف، امکان تأسیس تعاونی‌های جدید در قالب شرکت سهامی عام با محدودیت مالکیت هریک از سهام‌داران به سقف معینی که حدود آن را قانون تعیین می‌کند، فراهم شود».

بنابراین اصطلاح شرکت تعاونی سهامی عام در سیاست‌های کلی نیز وجود دارد و لازم بود که این اصطلاح تعریف شود. تعاونی که در قانون اساسی آمده، محدود به نوع خاصی نیست و انواع شرکت‌هایی را دربرمی‌گیرد که با عنوان شرکت تعاونی تشکیل می‌شود، و به‌طور کلی هدف از چنین نهادی، تعدیل و توزیع ثروت بین اعضای مختلف شرکت است. در واقع شرکت سهامی عامی که هیچ‌یک از سهام‌داران حقیقی آن بیش از ۰/۵ درصد کل سهام را نداشته باشند، به نوع جدیدی از تعاونی‌ها اطلاق می‌شود که در اصطلاح «شرکت تعاونی سهامی عام» نامیده می‌شود. منتها باید توجه داشت که نحوه تصمیم‌گیری در این تعاونی‌ها براساس سهام است و مطابق رویه تعاونی‌های متعارف نیست که هر عضو یک رأی داشته باشد (همان: ۱۷۸-۱۷۶). در یک مقایسه تحلیلی باید گفته شود که در ماده (۷) قانون شرکت‌های تعاونی اصل تساوی آرای اعضا ضمانت اجرایی است. زیرا تفاوت سهام اعضای تعاونی به هر میزانی که باشد تأثیری در نحوه مشارکت آنان در اداره شرکت و نصب مدیران نخواهد داشت ولی در شرکت‌های تعاونی سهامی عام از آنجا که این شرکت‌ها نوعی شرکت سهامی هستند که بر اصل سرمایه باید مشارکت اعضا در آن تضمین شود ولی برای رعایت اصول عدالت در سیاست‌های کلی اصل (۴۴) مراقبت شده تا اصل تساوی اعضا بر مبنای حداکثر سقف تملک سهام برای هریک از اعضا در حداکثر ۵ درصد سهام شرکت مورد تضمین قرار گیرد و بدیهی است این قاعده با اصل سرمایه در این نوع شرکت‌ها تطابقی ندارد و شاید به همین دلیل باید این نوع شرکت را نوعی شرکت مختلط تلقی کرد. درباره قاعده تملک سهام در شرکت‌های تعاونی سهامی عام در ماده (۱۲) این قانون چنین مقرر شده است:

۱. حداکثر سهم هر شخص حقیقی، مستقیم و غیرمستقیم در زمان تأسیس و طول فعالیت نباید از نیم درصد سرمایه شرکت تجاوز کند.

۲. اشخاص حقوقی سهام‌دار شرکت تعاونی سهامی عام، هرگاه خود شرکت تعاونی فراگیر ملی یا تعاونی سهامی عام باشند حداکثر حق مالکیت ده درصد (۱۰٪) سهام را دارند. سایر اشخاص حقوقی متناسب با تعداد سهام‌داران مستقیم و غیرمستقیم خود حداکثر حق مالکیت پنج درصد (۵٪) از سهام را دارند.

۳. هریک از اشخاص حقوقی دولتی و مجموع آنها با رعایت مفاد این قانون در مناطق کمتر توسعه‌یافته تا چهل‌ونه درصد (۴۹٪) و در سایر مناطق تا بیست درصد (۲۰٪) فعالیت‌های مجاز در این قانون مجاز به مشارکت با تعاونی از منابع داخلی خود هستند. مؤسسات عمومی غیردولتی نیز هریک تا بیست درصد (۲۰٪) و جمعاً تا چهل‌ونه درصد (۴۹٪) مجاز به مشارکت هستند.

برای قضاوت دقیق‌تر در مورد ماهیت شرکت‌های تعاونی سهامی عام، بررسی نظرهای مطرح شده در مشروح مذاکرات مجلس، هنگام تصویب بند «۱۰» ماده (۱) قانون نحوه اجرای اصل (۴۴) درباره «شرکت تعاونی فراگیر ملی» مفید است چرا که برخی معتقد بوده‌اند که همان قالب بند «۸» یا بند «۹» می‌تواند مبنای شکل‌گیری نوع سومی از شرکت‌ها باشد؛ یعنی چنین تحلیل می‌کنند که با توجه به بندهای «۸» و «۹» دو تعاونی پیش‌بینی شده است: ۱. تعاونی متعارف، ۲. تعاونی سهامی عام.

حال تعاونی فراگیر ملی یا نوعی تعاونی متعارف است و یا نوعی تعاونی سهامی عام. به بیان روشن‌تر تعاونی فراگیر ملی، امر زائیدی است نه قسیم دو قسم قبلی (همان: ۱۸۱-۱۷۸) و نیازی نبوده که در قالب جداگانه‌ای تعریف شود. اما این تحلیل صحیح به نظر نمی‌رسد چرا که در بند «۱۱» سیاست‌های ابلاغی مقام معظم رهبری چنین آمده است: «تأسیس تعاونی‌های فراگیر ملی برای تحت پوشش قرار دادن سه دهک اول جامعه به منظور فقرزدایی». همین متن دقیقاً در بند «۱۰» ماده (۱) درج شده و با ارائه تحلیل فوق، به حذف

بخشی از سیاست‌های کلی ابلاغی مقام معظم رهبری منجر می‌شود و این حذف عملی، علی‌القاعده با قانون اساسی تعارض پیدا می‌کند (همان: ۱۸۱).

از این رو به نظر می‌رسد که قانون سه نوع شرکت تعاونی را پیش‌بینی کرده است: ۱. تعاونی متعارف، ۲. تعاونی سهامی عام، ۳. تعاونی فراگیر ملی. تفاوت تعاونی فراگیر ملی با دو تعاونی دیگر این است که باید حدود دوسوم اعضای این تعاونی‌ها از دهک‌های پایین جامعه باشند، چون قرار است به این نوع شرکت‌های تعاونی در همین قانون و در چارچوب همین سیاست‌ها امتیازاتی مثل سهام عدالت داده شود. همچنین باید در نظر داشته باشیم که قانونگذار برای رفع خلأ، قانونی را وضع می‌کند و این کار او عبث و زائد نیست. با توجه به سیاست‌های ابلاغی مقام رهبری که مبنای نگارش قانون نحوه اجرای اصل (۴۴) بوده، با آوردن اصطلاح «تعاونی فراگیر ملی» به دنبال ایجاد نهادی با کارکردی خاص هستند که در قانون ذکر شده است.

در اینجا ذکر یک نکته ضروری است و آن این است که چون ابلاغ سیاست‌های جدید از سوی رهبری یک تحول اقتصادی را به دنبال دارد، لازم است که به تناسب آن و از لحاظ فرهنگ اقتصادی بسترهای قانونی هم فراهم شود. اگر در تعاریف و طبقه‌بندی شکل‌های اقتصادی و ..، خلأ، نارسایی و ابهامی وجود دارد که با اهداف این سیاست‌ها و وضعیت و مقتضیات موجود قانونی منطبق نیست، باید با قانونگذاری در این امر خلأها را برطرف کرده تا انطباق هم صورت گیرد. بنابراین برای اینکه مصادیق جدید جای خود را پیدا کنند باید معیارها و تعاریف نیز در این خصوص تنظیم شوند یعنی تعاریف و ترمینولوژی موجود حقوق اقتصادی بازتعریف شوند تا با واژه‌های جدید اقتصادی و حقوقی بتوان سیاست‌های مصوب را عملیاتی کرد.

۲ تحلیل حقوقی ماهیت شرکت‌های تعاونی سهامی عام

پس از بیان نظرهای مطرح شده در مشروح مذاکرات که ذکر آنها برای روشن شدن بحث

و فضای تصویب قانون لازم است، حال به تحلیل حقوقی ماهیت شرکت‌های تعاونی سهامی عام، با توجه به موادی از قانون نحوه اجرای اصل (۴۴) که به این شرکت مربوط است، می‌پردازیم.

در برداشت از عنوان «شرکت‌های تعاونی سهامی عام»، که در سیاست‌هایی ابلاغی رهبری هم آمده بود بین مجلس شورای اسلامی و مجمع تشخیص مصلحت نظام، اختلاف نظر وجود داشت. زمانی که به قانون نحوه اجرای اصل (۴۴) مراجعه می‌کنیم، مشاهده می‌شود که شرکت تعاونی سهامی عام مستند به بند «۹» ماده (۱) شرکت تعاونی تلقی نشده بلکه، شرکت سهامی عام تلقی می‌شود و احکام آن در فصل سوم سیاست‌های توسعه بخش تعاون بیان شده است. اگر سهامی عام باشد در سیاست‌های توسعه بخش تعاون نمی‌گنجد و اگر تعاونی است تعریفی که در بند «۹» آمده، محل خدشه است. به نظر می‌رسد که این شرکت، شرکت جدیدی است و با توجه به اینکه در مقررات جاری کشور برای نحوه تأسیس این نوع شرکت احکام خاصی مانند سایر شرکت‌های تجاری پیش‌بینی نشده، از این حیث خلأ قانونی وجود دارد. بنابراین در حال حاضر باید برای تأسیس این شرکت‌ها از مقررات شرکت‌های سهامی حسب مورد سهامی عام و خاص تبعیت شود چون به ظاهر تفاوتی با شرکت‌های سهامی ندارد و تنها تفاوت آن بحث حدنصابی است که برای سهام‌داران وجود دارد.

به استناد بندهای «۱ و ۲» ماده (۱۲) قانون همه اشخاص اعم از حقیقی و حقوقی می‌توانند سهام‌دار تعاونی سهامی عام گردند حتی محجورین و افراد زیر هجده سال نیز از طریق «ولی قانونی» خود می‌توانند سهام‌دار این تعاونی شوند.

جدول ۱ میزان تملک سهام در شرکت‌های تعاونی سهام عام

ردیف	ماهیت	میزان تملک سهام
۱	شخص حقیقی (بند «۱» ماده (۱۲))	۰/۵ درصد (نیم درصد) سرمایه
۲	شخص حقوقی (بند «۲» ماده (۱۲))	۵ درصد سرمایه
۳	شخص حقوقی که تعاونی سهامی عام یا فراگیر ملی است (بند «۲» ماده (۱۲))	۱۰ درصد سرمایه
۴	شخص حقوقی دولتی یا مجموع آنها در مناطق کمتر توسعه یافته (بند «۳» ماده (۱۲))	۴۹ درصد سرمایه
۵	شخص حقوقی دولتی یا مجموع آنها در سایر مناطق (بند «۳» ماده (۱۲))	۲۰ درصد سرمایه
۶	مؤسسه عمومی غیردولتی (بند «۳» ماده (۱۲))	۲۰ درصد سرمایه
۷	مجموع مؤسسات عمومی غیردولتی (بند «۳» ماده (۱۲))	۴۹ درصد سرمایه
۸	مجموع شرکت‌های دولتی و مؤسسات عمومی غیردولتی (بند «۳» ماده (۱۲))	۴۹ درصد سرمایه

در اینجا ذکر چند نکته ضروری است:

۲-۱ مبنای رأی

در تعاونی‌ها مبنای رأی‌دهی اعضا هستند. از ماده (۳۰) قانون بخش تعاون که می‌گوید مجمع عمومی «از اجتماع اعضای تعاونی یا نمایندگان تام‌الاختیار آنها به صورت عادی یا فوق‌العاده تشکیل می‌شود» حق حضور در مجمع عمومی و مشارکت در مذاکرات آن و ابراز رأی برای تصمیم‌گیری، برای اعضا استنباط می‌شود. بنابراین هر عضو بدون در نظر گرفتن میزان سهم و سرمایه‌ای که در شرکت تعاونی دارد، فقط دارای یک رأی است (حسینی، ۱۳۸۳: ۳۱). اما در شرکت‌های تعاونی سهامی عام، مبنای رأی‌دهی سرمایه و درصد آن است (ماده (۱۲)). از این رو ضمن اینکه این نوع شرکت‌ها تعاونی سهامی عام هستند و قواعد سرمایه باید در آن

اجرا شود ولی عملاً قواعد تعاونی برای عدم رعایت اصول سرمایه در آنها جاری است.

۲-۲ افزایش سرمایه

قانون در مورد افزایش سرمایه پیش‌بینی کرده است که اگر سهام‌داران از حق تقدم استفاده نکنند، کارکنان غیرسهام‌دار هم از چنین حق تقدمی برخوردارند (بند «۴» ماده (۱۲)) یعنی یک حق تقدم ثانوی در قانون لحاظ شده که این موضوع در قانون تجارت وجود ندارد. در ضمن این حق تقدم برای سهام‌داران در مقابل کارکنان غیرسهام‌دار وجود دارد و در رابطه میان افراد غیرسهام‌دار، ملاک اینکه به چه کسی اجازه افزایش سرمایه داده شود، زودتر مراجعه کردن است. این موضوع هم تا حدودی با قواعد قانون تجارت تفاوت دارد؛ زیرا بر مبنای قانون اصلاح قانون تجارت ناظر بر شرکت‌های سهامی مقرر شده:

ماده (۱۶۶): «در خرید سهام جدید صاحبان سهام شرکت به نسبت سهامی که مالک‌اند حق تقدم دارند و این حق قابل نقل و انتقال است مهلتی که طی آن سهام‌داران می‌توانند حق تقدم مذکور را اعمال کنند کمتر از شصت روز نخواهد بود. این مهلت از روزی که برای پذیره‌نویسی تعیین می‌گردد شروع می‌شود».

این حق تقدم برای سهام‌داران لحاظ شده است و در صورتی که سهام‌داران از حق تقدم خود استفاده نکنند مقرر می‌دارد:

ماده (۱۷۲): «در صورتی که حق تقدم در پذیره‌نویسی سهام جدید از صاحبان سهام سلب شده باشد یا صاحبان سهام از حق تقدم خود ظرف مهلت مقرر استفاده نکنند حسب مورد تمام یا باقی مانده سهام جدید عرضه و به متقاضیان فروخته خواهد شد».

در حالی که در قانون نحوه اجرای اصل (۴۴) حق تقدم دیگری هم مغایر قانون تجارت لحاظ شده است که مقرر می‌دارد: در زمان افزایش سرمایه، در صورتی که تمام یا برخی سهام‌داران از حق تقدم خود استفاده نکردند کارکنان غیرسهام‌دار شرکت در خرید این سهام تقدم دارند (بند «۴» ماده (۱۲)).

به نظر می‌رسد این ضابطه هم تا حدود زیادی با قواعد سرمایه در شرکت‌های تجاری سهامی منافات دارد و در واقع به نوعی اصل تعاون و کمک به کارکنان تعاونی‌ها مقدم شده است.

۲-۳ عضویت در اتاق تعاون

در این قانون پیش‌بینی شده است که شرکت‌های تعاونی سهامی عام می‌توانند در اتحادیه‌های تعاونی عضو شوند. بند «۷» ماده (۱۲) مقرر می‌دارد؛ شرکت‌های تعاونی سهامی عام می‌توانند به عضویت اتاق‌های تعاون در آیند. این سیاستی دوگانه است چرا که از یک سو، شرکت را سهامی تلقی کرده‌ایم و از سوی دیگر، از باب عضویت و استفاده از حمایت‌های تعاونی، شرکت را تعاونی می‌دانیم؛ یعنی تعریف را به سهامی عام انجام می‌دهیم ولی ماهیت را به تعاونی تبدیل می‌کنیم.

۲-۴ آیا وزارت تعاون می‌تواند نسبت به این شرکت‌ها اعمال نظارت کند؟

در ماده (۱۲) قانون اصل (۴۴) مقرر شده است: «وزارت تعاون موظف است تمهیدات لازم را به منظور تشکیل و توسعه تعاونی‌های سهامی عام با رعایت شرایط زیر معمول داشته و بر حسن اجرای آن نظارت نماید».

اگرچه این نوع شرکت‌ها در مفهوم به شرکت‌های سهامی شباهت دارند، ولی در اینجا اعمال نظارت برعهده وزارت تعاون قرار گرفته است. در حیطه اختیارات وزارت تعاون سابق اختلاف زیادی وجود دارد. به‌عنوان مثال وزارت تعاون قبلاً برای اعمال نظارت خود، اساسنامه نمونه با تأیید سازمان بورس تهیه کرده ولی در گذشته خود وزارت تعاون، تلقی‌ای از قانون بخش تعاون داشته که اساسنامه‌ها و صلاحیت اعضا و همه صورت‌جلسه مجامع قبل از آگهی شدن باید به تأیید آن وزارت می‌رسید. به‌عبارت‌دیگر از نظارت شکلی فراتر رفته و وارد بررسی محتوایی شده است.

بر مبنای قانون بخش تعاونی اقتصاد جمهوری اسلامی، تعاونی‌ها فقط در مرحله ایجاد و ارائه طرح خود موظف به اخذ مجوز از وزارت تعاون هستند:

ماده (۵۱): «شرکت‌ها و اتحادیه‌های تعاونی با رعایت این قانون پس از تهیه طرح و تصویب آن به کیفیتی که در آیین‌نامه اجرایی مشخص خواهد شد باید مدارک زیر را برای تشکیل و ثبت ارائه دهند:

۱. صورت‌جلسه تشکیل مجمع مؤسس و اولین مجمع عمومی و اسامی اعضا و هیئت‌مدیره منتخب و بازرسان.
۲. اساسنامه مصوب مجمع عمومی.
۳. درخواست کتبی ثبت.
۴. طرح پیشنهادی و ارائه مجوز وزارت تعاون.
۵. رسید پرداخت مقدر لازم‌التأدیه سرمایه.
۶. مدارک دعوت موضوع بند «۲» ماده (۳۲).

تبصره: اولین هیئت‌مدیره پس از اعلام قبولی مکلف‌اند با انجام تشریفات مقرر نسبت به ثبت تعاونی اقدام نمایند».

ماده (۵۲): «اداره ثبت شرکت‌ها موظف است پس از دریافت اسناد و مدارک لازم اقدام به ثبت تعاونی‌ها نماید و پس از تشکیل هرگونه تغییر با تصویب مجمع فقط به اطلاع ثبت شرکت‌ها می‌رسد.

آنچه در قانون آمده نظارت بر حسن اجراست مانند وظیفه‌ای که برعهده اداره ثبت شرکت‌ها قرار دارد. در این خصوص ماده (۶۵) قانون بخش تعاونی هم مقرر می‌دارد: «به منظور اعمال نظارت دولت در اجرای قوانین و مقررات مربوط به بخش تعاونی و حمایت و پشتیبانی از این بخش، وزارت تعاون تشکیل می‌گردد». یعنی وزارت تعاون صرفاً باید صورت‌جلسات را کنترل کند و اگر مغایرتی بود اعلام کند و نیازی به تأیید نیست. درحالی‌که اکنون رویه وزارت تعاون تأیید است و به نظر می‌رسد که وزارت تعاون چنین

اختیاری را ندارد. از این رو کنترل‌هایی که وزارت تعاون در باب تعاونی‌ها از گذشته اعمال می‌کرد نسبت به تعاونی‌های سهامی عام هم اعمال خواهد کرد. رویه ثبت شرکت‌ها هم این است که برای ثبت باید تأییدیه وزارت تعاون را ارائه کنند. البته از وضعیت این وزارت پس از ادغام اطلاع چندانی وجود ندارد.

۲-۵ سهام شرکت‌های تعاونی سهامی عام

شرکت‌های سهامی عام طبق قانون تجارت مجاز به انتشار سهام با نام و بی‌نام هستند. در لایحه اصلاحی قسمتی از قانون تجارت چنین آمده است: ماده (۲۴): «سهام، قسمتی است از سرمایه شرکت سهامی که مشخص میزان مشارکت و تعهدات و منافع صاحب آن در شرکت سهامی می‌باشد ورقه سهم سند قابل معامله‌ای است که نماینده تعداد سهامی است که صاحب آن در شرکت سهامی دارد. تبصره «۱»: سهم ممکن است بانام و یا بی‌نام باشد.

تبصره «۲»: در صورتی که برای بعضی از سهام شرکت، با رعایت مقررات این قانون مزایایی قائل شوند این گونه سهام، سهام ممتاز نامیده می‌شود».

انتشار سهام در قالب بی‌نام بر مبنای اصل سرمایه است تا امکان نقل و انتقال سهام را برای سهام‌داران تسهیل کند. از این رو در قانون اصل (۴۴) در مورد شرکت‌های تعاونی سهامی عام در بند «۶» ماده (۱۲) مقرر شده است: «کلیه سهام با نام بوده و تملک یا نقل و انتقال آن منوط به ثبت در دفتر سهام شرکت و رعایت سقف مالکیت سهام مقرر در اساسنامه به تشخیص هیئت مدیره است که نباید از سقف مقرر در این ماده تجاوز کند. هر توافقی برخلاف حکم این بند باطل و بلااثر خواهد بود».

به نظر می‌رسد علت اینکه باید سهام با نام باشد، کنترل سقف سهامی است که قبلاً ذکر شد. اگر سهام بی‌نام باشد نقل و انتقالات با دست‌به‌دست شدن انجام می‌گیرد که در این صورت دیگر امکان کنترل وجود نخواهد داشت. این شرط هم در تعاونی‌های سهامی عام

رویکرد دوگانه‌ای است که بر مبنای اصول تعاونی قابل مشاهده است. البته در مقررات شرکت‌های تعاونی هم اگرچه برای اعضا بر گه سهم به صورت بی‌نام صادر نمی‌شود اما امکان نقل و انتقال آن برای اعضا وجود دارد. قانون بخش تعاونی اقتصاد جمهوری اسلامی چنین مقرر می‌دارد:

ماده (۲۲): «عضو یا اعضای تعاونی می‌توانند با رعایت مقررات این قانون سهم خود را به سایر اعضا و یا افراد جدید واجد شرایط واگذار نمایند».

اگرچه برای خروج اعضا و انتقال سهام هم تشریفات پیش‌بینی شده است. همان قانون چنین مقرر می‌دارد:

ماده (۱۲): «خروج عضو از تعاونی اختیاری است و نمی‌توان آن را منع کرد».

تبصره «۱»: اعضای متخصص تعاونی‌های تولید حداقل شش ماه قبل از استعفا باید مراتب را کتباً به اطلاع تعاونی برسانند.

تبصره «۲»: در صورتی که خروج عضو موجب ضرری برای تعاونی باشد، وی ملزم به جبران است».

۶-۲ تعریف سهام‌دار خرد

در بند «۴» ماده (۱) آیین‌نامه اجرایی نحوه بلوک‌بندی در شرکت‌های تعاونی سهامی عام، مصوب ۱۳۸۸ چنین آمده: «اگر سهم مستقیم و غیرمستقیم هر سهام‌دار از سهام شرکت، از یک‌صدم درصد سهام شرکت بیشتر نباشد به او سهام‌دار خرد می‌گوییم».

تفاوت دیگری است که قانون تجارت برای رعایت سقف سهام گذاشته است. فرض در شرکت سهامی این است که سهام‌داران خرد، سهم خاصی ندارند و به‌طور کلی کسانی هستند که به دلیل تعدد سهام‌داران، تأثیرگذاری آنها در اداره شرکت کم است و در اقلیت هستند. حق رأی یکی از اساسی‌ترین حقوق ناشی از مالکیت سهم است که به سهام‌دار امکان می‌دهد در تصمیمات دسته‌جمعی شرکت مشارکت داشته باشد که در اصل تابع اصل نسبی است، یعنی هر کس در شرکت سهام بیشتری داشته باشد، از حق رأی بیشتری برخوردار است

(اسکینی، ۱۳۸۸، ج ۲: ۹۹). پس در شرکت‌های سهامی، سهام‌دارانی مدیریت و کنترل می‌کنند که سهام بیشتری داشته باشند. ولی در اینجا می‌گوییم: سهام‌دار خرد کسی است که سهم او از یک‌صدم بیشتر نباشد؛ یعنی سهام‌دار عمده در این قانون بین یک‌صدم و نیم درصد است و سهام‌داران خرد شرکت‌های سهامی در اینجا (در شرکت تعاونی سهامی عام) سهام‌دار عمده می‌شوند. البته هدف از این امر مشارکت دادن افراد بیشتر در شرکت‌های تعاونی سهامی عام است.

۷-۲ بلوک سهام

در بند «۵» ماده (۱۲) پیش‌بینی شده: «مجامع عمومی در تعاونی سهامی عام که تعداد سهام‌داران آن از ۵۰۰ نفر بیشتر باشد با بلوک‌بندی برگزار خواهد شد. هر یک از سهام‌داران مخیرند از طریق بلوک، نماینده انتخاب کنند و یا مستقیماً در مجمع عمومی حضور یابند. برای رعایت حقوق سهام‌داران خرد، نحوه بلوک‌بندی در آیین‌نامه‌ای تعیین می‌شود که مشترکاً توسط وزارت تعاون و وزارت امور اقتصاد و دارایی پیشنهاد و به تصویب وزیران می‌رسد». گفتنی است که مفهوم «نمایندگی سهام» در حقوق خارجی وجود دارد و در شرکت‌های سهامی‌های عام قانون تجارت هم اجرا می‌شود ولی این نحوه اداره که سهام‌داران را به نسبت سرمایه آنها دسته‌بندی کنیم و آنها یک نفر را به‌عنوان نماینده معرفی کنند، سابقه‌ای در حقوق تجارت و قانون تجارت ندارد.

در این قسمت دیگر به مفهوم بلوک‌بندی و شرایط و چگونگی آن نمی‌پردازیم و علاقه‌مندان می‌توانند به «آیین‌نامه نحوه بلوک‌بندی در شرکت‌های تعاونی سهامی عام» (مصوب ۱۳۸۸/۵/۱۷) مراجعه کنند. در پایان فقط به ذکر همین نکته اکتفا می‌کنیم که در فعالیت‌های اقتصادی گروه دو در قانون نحوه اجرای اصل (۴۴)^۱، دولت می‌تواند حداکثر

۱. فعالیت‌های اقتصادی گروه ۲ طبق قانون نحوه اجرای اصل (۴۴) فعالیت‌هایی است که قبلاً دولتی بوده و با تصویب این قانون باید به بخش خصوصی، تعاونی و مؤسسات عمومی غیردولتی واگذار شده و حداکثر ۲۰ درصد آن در اختیار دولت باقی بماند.

۲۰ درصد را مالک شود، اما اگر نوع فعالیت در گروه دو بانکی باشد، سقف مالکیت سهام ۱۰ درصد است. ماده (۳) قانون نحوه اجرای اصل (۴۴) در بند «ب» چنین مقرر می‌دارد: «دولت مکلف است هشتاد درصد (۸۰٪) از ارزش مجموع سهام بنگاه‌های دولتی در هر فعالیت مشمول گروه دو ماده (۲) این قانون به استثنای راه و راه آهن را به بخش‌های خصوصی، تعاونی و عمومی غیردولتی واگذار نماید.

تبصره «۱»: دولت مجاز است به منظور حفظ سهم بهینه بخش دولتی در فعالیت‌های گروه دو ماده (۲) این قانون با توجه به حفظ حاکمیت دولت، استقلال کشور، عدالت اجتماعی و رشد و توسعه اقتصادی به میزانی سرمایه‌گذاری نماید که سهم دولت از بیست درصد (۲۰٪) ارزش این فعالیت‌ها در بازار بیشتر نباشد.

تبصره «۲»: بخش‌های غیردولتی مجاز به فعالیت در زمینه راه و راه آهن هستند. سهم بهینه بخش‌های دولتی و غیردولتی در فعالیت‌های راه و راه آهن مطابق آیین‌نامه‌ای خواهد بود که به پیشنهاد مشترک وزارت راه و ترابری و وزارت امور اقتصادی و دارایی و به تصویب شورای عالی اجرای سیاست‌های کلی اصل چهل و چهارم (۴۴) قانون اساسی خواهد رسید. تبصره «۳»: دولت مکلف است در حد مقابله با بحران نسبت به تأمین کالاهای اساسی مانند گندم و سوخت برای مدت معین، تمهیدات لازم را بیندیشد.

این سقف مالکیت هم قیدی بر قانون تجارت است یعنی قانون نحوه اجرای اصل (۴۴) قانون اساسی برای شرکت‌های سهامی که در حیطه پولی و بانکی فعالیت می‌کنند، یک تخصیص می‌زند و سقف سهام ۵ درصد را برای اشخاص حقیقی و حداکثر ۱۰ درصد را برای اشخاص حقوقی تعیین می‌کند. تنها استثنای ماده (۵) درباره تعاونی‌های اعتباری قرض الحسنه و صندوق‌های قرض الحسنه‌ای است که به کارهای قرض الحسنه می‌پردازند. پس اگر اینها خواستند سهام یک بانک را بخرند، می‌توانند طبق قانون تجارت مازاد بر ۱۰ درصد مالک شوند.

۳ مزایای تشکیل شرکت تعاونی سهامی عام

این شرکت بیشترین مزایا را در مقایسه با شرکت‌های دیگر (تعاونی و غیرتعاونی) داراست. علاوه بر مزایای قانون تجارت از مزایای شرکت‌های تعاونی نیز استفاده می‌کند که به این شرح است:

۱. درآمد مشمول مالیات ابرازی تعاونی‌ها مشمول ۲۵ درصد تخفیف است،
۲. در همه مواردی که دولت برای حمایت از بخش غیردولتی مشوق‌هایی را - به جز مالیات‌ها - ارائه می‌کند، این حمایت برای تعاونی‌ها بیست درصد (۲۰٪) بیش از بخش غیرتعاونی خواهد بود،
۳. تخفیف حق بیمه سهم کارفرما برای اعضای شاغل در هر تعاونی به میزان بیست درصد (۲۰٪)،
۴. حمایت بانک توسعه تعاون از شرکت‌های تعاونی به‌عنوان بانک تخصصی بخش تعاونی،
۵. ارائه مشاوره، کمک به ارتقای بهره‌وری، آموزش کارآفرینی، مهارت و کارآموزی به‌صورت رایگان،
۶. پرداخت یارانه سود تسهیلات بانکی و سایر هزینه‌های سرمایه‌گذاری اولیه برای راه‌اندازی شرکت تعاونی.

۴ مراحل ثبت شرکت‌های تعاونی سهامی عام

در قوانین جاری کشور برای تأسیس شرکت‌های سهامی شرایطی در نظر گرفته شده است. لایحه اصلاح قسمتی از قانون تجارت مقرر می‌دارد:

ماده (۶): «برای تأسیس شرکت‌های سهامی عام مؤسسين باید اقلأً بیست درصد سرمایه شرکت را خود تعهد کرده و لااقل سی و پنج درصد مبلغ تعهد شده را در حسابی به نام شرکت در شرف تأسیس نزد یکی از بانک‌ها سپرده سپس اظهارنامه‌ای به ضمیمه طرح اساسنامه شرکت و طرح اعلامیه پذیره‌نویسی سهام که به امضای کلیه مؤسسين رسیده باشد در تهران به اداره ثبت شرکت‌ها و در شهرستان‌ها به دایره ثبت شرکت‌ها و در نقاطی که دایره ثبت شرکت‌ها وجود ندارد به اداره ثبت اسناد و املاک محل تسلیم و رسید دریافت کنند».

ماده (۱۷): «مجمع عمومی مؤسس با رعایت مقررات این قانون تشکیل و پس از رسیدگی و احراز پذیره نویسی کلیه سهام شرکت و تأدیه مبالغ لازم و شور درباره اساسنامه شرکت و تصویب آن اولین مدیران و بازرس یا بازرسان شرکت را انتخاب می کند و نیز مجمع عمومی مؤسس روزنامه کثیرالانتشاری را که هرگونه دعوت و اطلاعیه برای صاحبان سهام تا تشکیل مجمع عمومی سالانه به طور منحصر در آن منتشر خواهد شد تعیین خواهد نمود. مدیران و بازرسان شرکت باید کتباً قبول سمت نمایند. قبول سمت به خودی خود دلیل بر این است که مدیر و بازرس با علم به تکالیف و مسئولیت های سمت خود عهده دار آن گردیده اند. از این تاریخ شرکت تشکیل شده محسوب می شود».

درباره شرکت های تعاونی هم مقرر شده است:

ماده (۵۱): «شرکت ها و اتحادیه های تعاونی با رعایت این قانون پس از تهیه طرح و تصویب آن به کیفیتی که در آیین نامه اجرایی مشخص خواهد شد باید مدارک زیر را برای تشکیل و ثبت ارائه دهند:

۱. صورت جلسه تشکیل مجمع مؤسس و اولین مجمع عمومی و اسامی اعضا و هیئت مدیره منتخب و بازرسان،
 ۲. اساسنامه مصوب مجمع عمومی،
 ۳. درخواست کتبی ثبت،
 ۴. طرح پیشنهادی و ارائه مجوز وزارت تعاون،
 ۵. رسید پرداخت مقدر لازم التادیه سرمایه،
 ۶. مدارک دعوت موضوع بند «۲» ماده (۳۲).
- تبصره: اولین هیئت مدیره پس از اعلام قبولی مکلف اند با انجام تشریفات مقرر نسبت به ثبت تعاونی اقدام نمایند».
- ماده (۵۲): «اداره ثبت شرکت ها موظف است پس از دریافت اسناد و مدارک لازم اقدام به ثبت تعاونی ها نماید».

اگرچه قانون نحوه اجرای سیاست‌های کل یا اصل (۴۴) قانون اساسی برای تأسیس شرکت‌های تعاونی سهامی عام مقرراتی را پیش‌بینی نمی‌کند ولی به نظر می‌رسد باید مقرراتی مختلط از تلفیق شرکت‌های تعاونی و سهامی عام در آن اجرا شود. مجوزهایی که در فرایند تشکیل و ثبت تعاونی باید اخذ شوند به شرح ذیل است:

۱. مجوز وزارت تعاون به‌عنوان تأسیس شرکت تعاونی که بر مبنای بند «۴» ماده (۵۱) قانون بخش تعاونی اقتصاد جمهوری اسلامی باید از وزارت تعاون اخذ شود.
۲. مجوز دستگاه تخصصی ذی‌ربط در صورتی که حیطه فعالیت خاصی انتخاب شود نظیر مجوز از بانک مرکزی برای تأسیس بانک و یا بیمه مرکزی برای تأسیس شرکت بیمه در قالب تعاونی سهامی عام.
۳. مجوز سازمان بورس و اوراق بهادار با فرضی که این شرکت بخواهد در بورس سهام خود را عرضه کند و یا مجوزی برای پذیره‌نویسی سهام از طریق بازار اولیه انجام دهد.
۴. مجوز مرجع ثبت شرکت‌ها که بر مبنای بررسی و کنترل مدارک و اجازه انتشار آگهی ثبت شرکت نمود می‌یابد.

۵ مقایسه شرکت تعاونی سهامی عام و شرکت تعاونی

انواع شرکت‌های تجاری مجازند در حیطه فعالیت‌های ذیل اصل (۴۴) و ۸۰ درصد برخی فعالیت‌های اصل (۴۴) (گروه ۲) ورود کنند. اما در این قانون تغییر سیاست‌هایی در خصوص شرکت‌ها داده شده است که ابتدا شرکت تعاونی را بررسی می‌کنیم. از قوانین موجود برای شرکت تعاونی می‌توان قانون تجارت و قانون بخش تعاون اقتصاد جمهوری اسلامی را نام برد. با این توضیح که آنها فقط تابع قانون بخش تعاونی (مصوب ۱۳۷۰) هستند و تنها تصفیه آنها تابع مقررات تصفیه شرکت‌ها در قانون تجارت است (تبصره «۱» ماده (۵۴) قانون (۱۳۷۰) (اسکینی، ۱۳۸۹، ج ۱: ۸۲). سهم بخش تعاون در تولید ناخالص ملی اقتصاد کشور در حال حاضر زیر ۷ درصد است، در حالی که در

سیاست‌های اصل (۴۴) به صراحت آمده که این سهم باید به ۲۵ درصد اقتصاد کشور برسد (بند «ب» ابلاغیه مورخ ۱۳۸۴/۳/۱). بنابراین سیاست‌ها در خصوص این شرکت تغییر کرده است به طوری که به نوعی اصلاح در قانون تجارت تلقی می‌شود.

شرکت تعاونی ایجاد شده به موجب قانون بخش تعاون یا قانون شرکت‌های تعاونی (۱۳۵۰) شرکت شخصی هستند نه سرمایه، چرا که میزان مشارکت در سرمایه شرکت، میزان حق رأی را تعیین نمی‌کند، بلکه حق رأی، تابع شخص است. قانون ۱۳۷۰ شرکت تعاونی را تعریف نکرده است ولی از مجموع مقررات این قانون به‌ویژه از ماده (۱) آن چنین استنباط می‌شود که قانونگذار از روح قانون شرکت‌های تعاونی مصوب ۱۳۵۰ دور نشده است. در واقع شرکت تعاونی را هنوز هم می‌توان شرکتی تلقی کرد که اشخاص برای رفع نیازمندی‌های مشترک و بهبود وضع اقتصادی و اجتماعی خود با خودیاری و کمک متقابل تشکیل می‌دهند. هدفی که قبلاً در ماده (۲) قانون شرکت‌های تعاونی ۱۳۵۰ پیش‌بینی شده بود و با طبیعت شرکت‌های تعاونی موضوع قانون تجارت نیز تطبیق می‌کرد. در این شرکت‌ها فعالیت اشخاص عضو، عمده سرمایه شرکت را تشکیل می‌دهد. حتی در قانون جدید بر کار اعضا بیشتر از گذشته تأکید شده است. چون تنها اشخاصی می‌توانند عضو شرکت تعاونی شوند که از اشخاص حقیقی باشند (ماده (۸) قانون ۱۳۸۰). بنابراین به‌منظور تشویق اشخاصی که تخصص و حرفه‌ای دارند و سرمایه در اختیار ندارند، قانون تسهیلات بی‌شماری در نظر گرفته است که دولت یا بانک‌ها ممکن است به شرکت‌های تعاونی اعطا کنند (اسکینی، ۱۳۸۹، ج ۱: ۸۳).

نوع نگاهی که به شرکت‌های تعاونی تا قبل از ابلاغ بوده، منطقی است و بیشتر کشورها هم، چنین عمل می‌کنند؛ چرا که هدف این شرکت‌ها واسطه‌گری برای کمک به افرادی است که از یک طرف سرمایه کمی دارند و از طرفی نیاز اقتصادی دارند. بنابراین گاهی کسانی که سرمایه کمی دارند در شرکت‌هایی مانند تعاونی اعتبار عضو می‌شوند چون هدف این شرکت‌ها تعاون است نه نفع مالی. در ایران، شرکت تعاونی با چند مشکل روبه‌روست:

۱. سرمایه کم: شرکت‌های تعاونی بین گروه خاص یا صاحبان حرف و مشاغل به خصوص

تشکیل می‌شود. هدف اساسی این شرکت‌ها که مبتنی بر اصول تعاون است، تأمین آسایش طبقه خاصی است که آن را تشکیل داده‌اند نه تحصیل منفعت (افتخاری، ۱۳۸۰: ۳۶۶).

شرکت تعاونی برای فعالیت اقتصادی نیازمند سرمایه است. یکی از اصول شرکت‌های تعاونی این است که اشخاصی که دارای سرمایه زیاد نیستند، بتوانند در شرکت‌های تعاونی عضو شوند، سهام یا سهم‌الشرکه هر یک از شرکا مبلغ کمی است تا هر کس بتواند در شرکت شریک شود (ستوده تهرانی، ۱۳۸۴، ج ۲: ۳۱۶).

۲. **برابری حق رأی:** برخلاف شرکت‌های سهامی که هر سهام‌دار به اندازه سرمایه‌ای که در شرکت گذاشته حق رأی دارد، در شرکت‌های تعاونی هر عضو فقط دارای یک رأی است حتی اگر دارای چندین سهم باشد. در ماده (۱۹۴) قانون تجارت مصوب ۱۳۱۱/۱۲/۱۳ آمده است: «... هیچ‌یک از شرکا نمی‌تواند در مجمع عمومی بیش از یک رأی داشته باشد» و ذیل ماده (۷) قانون تشکیل شرکت‌های تعاونی می‌گوید: «... در مجمع عمومی هر عضو قطع نظر از تعداد سهام، فقط دارای یک رأی است». به این ترتیب در شرکت‌های تعاونی انسان‌ها رأی دارند، نه سرمایه‌ها (افتخاری، ۱۳۸۰: ۳۶۸). افرادی که سرمایه زیادی دارند راضی نمی‌شوند که رأی‌شان با شخصی که سرمایه کمی دارد برابر باشد، از این رو رغبت برای ورود سرمایه‌های عمده در این عرصه وجود ندارد.

۳. **مدیریت ضعیف:** مدیریت شرکت‌های تعاونی به علت کمی سرمایه، سطح تحصیلات و حجم عملیات ضعیف است. شرکت‌های تعاونی تولید با وجود کمک‌هایی که دولت‌ها به آنها کرده‌اند، در هیچ‌جا پیشرفت زیادی نداشته‌اند؛ زیرا اولاً، این شرکت‌ها سرمایه کافی ندارند و ثانیاً، دستگاه مدیریت مجهزی ندارند، مشتری کافی پیدا نمی‌کنند و بالاخره بعد از مدتی مؤسسان این شرکت‌ها به نوبه خود حکم کارفرما را پیدا می‌کنند و از صورت شرکت تعاونی خارج می‌شوند (ستوده تهرانی، ۱۳۸۴، ج ۲: ۳۱۷).

این مشکلات سبب شد تا در قانون اصل (۴۴) نوع نگاه به شرکت تعاونی تغییر کند. تعاونی‌هایی که از آنها صحبت کردیم، در قانون اصل (۴۴) به عنوان تعاونی متعارف در بند «۸»

ماده (۱۰) تعریف شده است که درباره اینها تغییر ماهوی نداریم. بنابراین دو شرکت تعاونی جدید در این قانون ایجاد شد: شرکت تعاونی سهامی عام، شرکت تعاونی فراگیر ملی.

۵-۱ تغییرات ایجاد شده در شرکت‌های تعاونی توسط شرکت تعاونی سهامی عام
قانون اصل (۴۴) بر شرکت‌های تعاونی بی‌تأثیر نبوده زیرا مطابق ماده (۸) این قانون، دولت باید امتیازاتی را که به بخش دولتی برای فعالیت‌های اقتصادی‌اش می‌دهد به بخش تعاونی هم بدهد یعنی تعاونی‌ها برای رقابت در عرصه اقتصادی ورود کنند.
تغییرات ماهوی شرکت‌های تعاونی به شرح زیر است:

۵-۱-۱ نصاب سهام

در شرکت‌های تعاونی متعارف با توجه به اینکه سهام‌ها از لحاظ رأی مساوی هستند هیچ نصابی نداریم. مطابق ماده (۱۲) قانون اصل (۴۴)، در شرکت‌های تعاونی سهامی عام نصاب مالکیت داریم:

ماده (۱۲): «وزارت تعاون موظف است تمهیدات لازم را به منظور تشکیل و توسعه تعاونی‌های سهامی عام با رعایت شرایط زیر معمول داشته و بر حسن اجرای آن نظارت نماید:

۱. حداکثر سهم هر شخص حقیقی، مستقیم و غیرمستقیم در زمان تأسیس و طول فعالیت نباید از نیم درصد سرمایه شرکت تجاوز کند...».

نکته مهم آنکه در تعریف شرکت تعاونی سهامی عام گفتیم: «نوعی شرکت سهامی عامی است که...» حال آنکه در شرکت سهامی نصاب نداشتیم، اما اینجا نصاب گذاشته‌اند.
ماده (۱۲)، بند «۲»: «اشخاص حقوقی سهام‌دار شرکت تعاونی سهامی عام، هرگاه خود شرکت تعاونی فراگیر ملی یا تعاونی سهامی عام باشند حداکثر حق مالکیت ده درصد (۱۰٪) سهام را دارند. سایر اشخاص حقوقی متناسب با تعداد سهام‌داران مستقیم و غیرمستقیم خود، حداکثر حق مالکیت پنج درصد (۵٪) از سهام را دارند.».

هدف بند فوق این است که اگر شخص حقوقی که سهام‌دار تعاونی فراگیر ملی یا سهام‌دار تعاونی سهامی عام است بخواهد سهام‌دار یک شرکت تعاونی سهامی عام شود، نباید بیش از این نصاب شود. سایر اشخاص حقوقی هم (مثلاً شرکت تضامنی یا نسبی یا سهامی عام) در صورتی که بخواهند سهام‌دار شوند نباید با تعداد سهام‌داران خود مستقیم و غیرمستقیم (یعنی چه خود شرکت و چه سهام‌داران این شرکت‌ها) از این نصاب بیشتر سهم داشته باشند. گذاشتن سقف مالکیت به این دلیل است که می‌خواهیم نفع به همه اعضا برسد و از انحصار اداره شرکت توسط یک فرد جلوگیری شود. موارد فوق از جمله تأثیرات قانون اصل (۴۴) بر قانون تجارت است.

۲-۱-۵ اعمال حق رأی

براساس ماده (۱۰) قانون اصل (۴۴)، «کلیه شرکت‌ها و اتحادیه‌های تعاونی می‌توانند در بدو تأسیس یا هنگام افزایش سرمایه تا سقف چهل و نه درصد (۴۹٪) سهام خود را با امکان اعمال رأی حداکثر تا سی و پنج درصد (۳۵٪) کل آرا و تصدی کرسی‌های هیئت‌مدیره به همین نسبت به شرط عدم نقض حاکمیت اعضا و رعایت سقف معین برای سهم و رأی هر سهام‌دار غیرعضو که در اساسنامه معین خواهد شد به اشخاص حقیقی یا حقوقی غیرعضو واگذار نمایند...».

در این سازوکار جدید سهم برای شخص عضو است اما اعمال حق رأی با شرط ۳۵ درصد برای شخص غیرعضو. در این سازوکارها که نوعی بلوک‌بندی است سهام‌داران خرد جمع می‌شوند و آرا را واگذار می‌کنند. تفاوت دیگر آنکه معمولاً موقع افزایش سرمایه می‌گوییم حق تقدم با سهام‌داران است. البته حق تقدم‌ها معمولاً در اساسنامه‌ها پیش‌بینی می‌شود اما در بند «۴» ماده (۱۲) قانون اصل (۴۴)، قانونگذار حق تقدم را برای تعاونی‌های سهامی عام پذیرفته است:

«در زمان افزایش سرمایه، در صورتی که تمام یا برخی سهام‌داران از حق تقدم خود استفاده نکردند کارکنان غیرسهام‌دار شرکت در خرید این سهام حق تقدم دارند.».

بنابراین در زمان افزایش سرمایه حق تقدم سهام داران را پذیرفته اما می گوید اگر استفاده نکردند کارکنان غیر سهام دار شرکت، حق تقدم دارند. درحالی که در بقیه شرکت ها هرکس زودتر اقدام کند، حق تقدم دارد.

۲-۵ تفاوت شرکت تعاونی سهامی عام با شرکت تعاونی متعارف

جدول ۲ تفاوت شرکت تعاونی سهامی عام با شرکت تعاونی متعارف

ردیف	شرکت تعاونی سهامی عام	شرکت تعاونی متعارف
۱	شرکت های تعاونی سهامی عام براساس قانون تجارت و قانون سیاست های کلی اصل (۴۴) تشکیل می شود.	شرکت های تعاونی متعارف براساس قانون بخش تعاونی تشکیل می شود.
۲	در شرکت های تعاونی سهامی عام «سرمایه» اهمیت بسیاری دارد.	در شرکت های تعاونی متعارف «عضو» اهمیت بسیاری دارد.
۳	در این نوع تعاونی هرکس به میزان سهم خود حق رأی دارد (به همین دلیل انگیزه کافی سرمایه گذاری برای افراد حقیقی و حقوقی ایجاد می شود).	در این نوع تعاونی هر عضو با هر میزان سهم فقط یک حق رای دارد.
۴	سهام این تعاونی می تواند در بورس عرضه شود.	سهام این تعاونی نمی تواند در بورس عرضه شود.
۵	در موقع تأسیس و در مدت فعالیت سرمایه شرکت نباید از پنج میلیارد ریال کمتر باشد.	تعیین میزان سرمایه و ارزش سهام به عهده هیئت مؤسس تعاونی است و میزان آن در اساسنامه مصوب ذکر خواهد شد.
۶	کمیسیون موضوع ماده (۵) دستورالعمل نحوه نظارت بر انتخابات تعاونی ها و اتاق های تعاون در خصوص این نوع تعاونی ها	کمیسیون موضوع ماده (۵) دستورالعمل نحوه نظارت بر انتخابات تعاونی ها و اتاق های تعاون در خصوص این نوع

جدول ۲ تفاوت شرکت تعاونی سهامی عام با شرکت تعاونی متعارف

ردیف	شرکت تعاونی سهامی عام	شرکت تعاونی متعارف
	موضوعیت ندارد.	تعاونی‌ها تشکیل می‌شود.
۷	این تعاونی‌ها ۴ درصد حق آموزش و تعاون را پرداخت نمی‌کنند.	این تعاونی‌ها ۴ درصد حق آموزش و تعاون را پرداخت می‌کنند.
۸	در جلسه مجمع عمومی مؤسس تعاونی‌های سهامی عام حضور عده‌ای از پذیره‌نویسان که حداقل نصف سرمایه شرکت را تعهد کرده‌اند ضروری است. اگر حدنصاب حاصل نشود، در نوبت دوم و سوم حضور صاحبان حداقل یک‌سوم سرمایه الزامی است.	اولین جلسه مجمع عمومی عادی شرکت تعاونی متعارف با حضور اکثریت اعضا رسمیت می‌یابد و در صورت عدم حصول حدنصاب مزبور، در نوبت دوم با حضور هر تعداد از اعضا رسمی خواهد بود.
۹	تصمیمات مجمع عمومی مؤسس تعاونی‌های سهامی عام، با اکثریت دو سوم آرای حاضر در جلسه رسمی معتبر است.	در اولین جلسه مجمع عمومی عادی شرکت تعاونی متعارف، اساسنامه باید به تصویب اکثریت دو سوم حاضرین در جلسه رسمی برسد. تصمیمات دیگر نیز باید به تصویب اکثریت حاضرین در جلسه رسمی برسد، اما در مورد انتخاب اعضای هیئت‌مدیره و بازرسان کسب اکثریت نسبی حاضران در جلسه رسمی، ملاک عمل است.
۱۰	در جلسه مجمع عمومی فوق‌العاده تعاونی سهامی عام باید دارندگان بیش از نصف سهامی که حق رأی دارند، حاضر باشند و اگر در جلسه اول این حدنصاب حاصل نشود، در جلسه دوم، حضور دارندگان بیش از یک‌سوم سهامی که حق رأی دارند، الزامی است.	اگر جلسه مجمع عمومی فوق‌العاده تعاونی متعارف با حضور حداقل دو سوم اعضای تعاونی تشکیل نشود، در جلسه دوم با نصف به‌علاوه یک رسمیت خواهد داشت و در نوبت سوم با حضور هر تعداد رسمیت خواهد یافت.
۱۱	تصمیمات مجمع عمومی فوق‌العاده تعاونی	تصمیمات مجمع عمومی فوق‌العاده تعاونی

جدول ۲ تفاوت شرکت تعاونی سهامی عام با شرکت تعاونی متعارف

ردیف	شرکت تعاونی سهامی عام	شرکت تعاونی متعارف
	سهامی عام همواره با اکثریت دوسوم آرای حاضر در جلسه رسمی معتبر است.	متعارف همواره با اکثریت سه چهارم آرای حاضر در جلسه رسمی معتبر است.
۱۲	تعداد اعضای هیئت مدیره در تعاونی سهامی عام حداقل پنج نفر و حداکثر نه نفر است.	تعداد اعضای اصلی هیئت مدیره در شرکت تعاونی حداقل سه نفر و حداکثر هفت نفر و تا یک سوم آنها اعضای علی البدل هستند.
۱۳	مدت مدیریت هیئت مدیره در تعاونی سهامی عام در اساسنامه معین می شود، اما این مدت از دو سال تجاوز نخواهد کرد. انتخاب مجدد هیئت مدیره بلامانع است.	مدت مدیریت هیئت مدیره در تعاونی متعارف سه سال و انتخاب مجدد آنها حداکثر برای دو نوبت متوالی بلامانع است (البته افرادی که موفق به کسب دوسوم آرای کل اعضای شرکت تعاونی شوند از مقررات ممنوعیت بیش از دو نوبت مستثنا خواهند بود)
۱۴	در شرکت تعاونی سهامی عام مدیرعامل و حدود اختیارات و مدت تصدی و حق الزحمه او را هیئت مدیره تعیین می کند.	در شرکت تعاونی متعارف مدیرعامل را هیئت مدیره برای مدت دو سال با حدود وظایف و اختیارات مشخص انتخاب می کند.
۱۵	افراد زیر هجده سال و معلولان ذهنی و ... نیز می توانند از طریق ولی قانونی خود سهام دار این شرکت ها باشند. در ضمن زندانیان با هر نوع سابقه نیز می توانند سهام داران تعاونی شوند.	فقط افراد بالای هجده سال که ممنوعیت قانونی ندارند می توانند به عضویت این شرکت ها در آیند. در ضمن معلولان ذهنی و زندانیانی که محروم از حقوق اجتماعی هستند، نمی توانند به عضویت این تعاونی ها در آیند.
۱۶	هیچ محدودیتی در جذب سرمایه خارجی ندارند و براساس قانون تشویق و حمایت سرمایه گذاری خارجی، می توانند سهام دار خارجی داشته باشند.	نمی توانند عضو غیرایرانی داشته باشند. فقط براساس ماده (۱۰) قانون سیاست های کلی اصل (۴۴) می توانند سهام دار غیر عضو داشته باشند. البته در فرایند اجرا در همین رابطه نیز مشکلات متعددی وجود دارد.

۳-۵ شرکت تعاونی سهامی عام از منظر حقوق تطبیقی

چنانچه گفته شد، شرکت تعاونی سهامی عام از ابداعات قانونگذار ایران بوده و از نظر حقوق تطبیقی فاقد هر نوع سابقه در سایر کشورها و نظام‌های حقوقی است. ضمن اینکه با توجه به تحلیل ارائه شده، شرکت‌های تعاونی سهامی دارای ماهیتی مختلط و دوگانه بین شرکت‌های تعاونی و سهامی هستند و از این رو مقایسه آنها با تعاونی‌های متعارف در دیگر کشورها به دلیل فقدان سابقه در سایر نظام‌های حقوقی عملاً غیرممکن است. بنابراین مناسب است مقایسه‌ای میان شرکت تعاونی در ایران با این نوع از شرکت‌ها در حقوق فرانسه و آلمان انجام گیرد. از این رهگذر و با توجه به تفاوت‌های شرکت‌های تعاونی و شرکت‌های تعاونی سهامی عام، تفاوت شرکت‌های اخیرالذکر با شرکت‌های تعاونی در حقوق فرانسه و آلمان مشخص می‌شود.

۱-۳-۵ بررسی تطبیقی ورود و خروج از عضویت شرکت تعاونی

۱. در ایران، آلمان و فرانسه عدم عضویت در شرکت‌های تعاونی مشابه از نظر نوع فعالیت از شرایط پذیرش عضویت در تعاونی‌هاست.
۲. در ایران داشتن تابعیت جمهوری اسلامی و نداشتن ممنوعیت قانونی و حجر برای داوطلب عضویت تأکید شده است اما در آلمان و فرانسه چنین منعی نیامده است.
۳. در ایران اشخاص حقیقی و حقوقی غیردولتی می‌توانند به عضویت شرکت‌های تعاونی در آیند در حالی که در فرانسه همه اشخاص حقیقی و حقوقی و در آلمان فقط اشخاص حقیقی می‌توانند به عنوان عضو وارد شرکت تعاونی شوند.
۴. خروج عضو از شرکت تعاونی در نظام حقوقی هر سه کشور بر دو گونه است: اختیاری (استعفا) و غیراختیاری. در نظام‌های حقوقی ایران و فرانسه خروج غیراختیاری ناشی از فوت یا اخراج عضو از شرکت تعاونی است اما در آلمان مصادیق خروج غیراختیاری را تعویض محل سکونت، قبول عضویت در تعاونی مشابه و فوت عضو بیان کرده است. مرجع تأیید اخراج عضو از شرکت تعاونی در ایران و فرانسه مجمع عمومی می‌باشد در حالی که

در آلمان هیئت مدیره و دادگاه صلاحیت تأیید خروج عضو را دارند (شهریور، ۱۳۸۰: ۵۲-۴۲).

۲-۳-۵ بررسی تطبیقی حداقل و حداکثر تعداد عضو در شرکت تعاونی

در ایران حداقل تعداد عضو جز در تعاونی‌های مصرف و عام هفت نفر است ولی در آلمان و فرانسه حداقل تعداد عضو در همه نوع تعاونی‌ها هفت نفر تعیین شده است حال آنکه در این کشورها محدودیتی از نظر حداکثر تعداد عضو ایجاد نشده است. در ایران استثنائاً برای تعاونی‌های مسکن حداکثر تعداد عضو پانصد نفر معین شده است (همان: ۵۵-۵۲).

۳-۳-۵ بررسی تطبیقی حقوق و تکالیف عضو در شرکت‌های تعاونی^۱

۱. حق حضور در جلسات مجامع عمومی (عادی و فوق‌العاده) و حق رأی در هر سه کشور به رسمیت شناخته شده است اما باهم تفاوت‌هایی نیز دارند. در ایران و فرانسه هر عضو بدون در نظر گرفتن میزان سهم دارای یک رأی است ولی در آلمان برای برخی از اعضا می‌توان حق ویژه‌ای مبنی بر داشتن بیش از یک رأی (حداکثر سه رأی) در نظر گرفت. همچنین در هر سه کشور اعضا حق دارند شخصاً در مجامع حضور یابند یا این حق را به وکیل یا نماینده تام‌الاختیار خود واگذار کنند. در ایران تعاونی‌های بزرگ دو رأی با وکالت و در سایر تعاونی‌ها یک رأی با وکالت دارند، در آلمان در همه تعاونی‌ها دو رأی با وکالت و در فرانسه نیز یک رأی با وکالت وجود دارد (ایران: ماده (۵) آیین‌نامه نحوه تشکیل مجامع عمومی مصوب ۱۳۷۷ موضوع تبصره «۳» ماده (۳۳)؛ آلمان: ماده (۴۳)؛ فرانسه: مواد (۹ و ۵۷۹)).

۲. در نظام‌های حقوقی هر سه کشور، عضو حق دارد بر امور شرکت تعاونی برابر قانون و اساسنامه نظارت کند. در آلمان حتی عضو می‌تواند به تصمیمات خلاف مجمع عمومی

۱. موادی از قانون فرانسه که در دسترس نبود از کتاب علی حسین شهریور (۱۳۸۰). حقوق تعاون (ایران، آلمان و فرانسه)، تهران، نشر پایگان، چاپ اول، ص ۴۲-۵۵ استفاده شده است.

اعتراض کرده و علیه آنها در مراجع قضایی شکایت کند (ایران: ماده (۱۰) قانون بخش تعاون؛ آلمان: ماده (۵۱)؛ فرانسه: ماده (۴)).

۳. حق درخواست تشکیل مجامع عمومی از دیگر حقوقی است که اعضا دارا هستند. در ایران برای دعوت مجمع عمومی عادی یک‌پنجم و فوق‌العاده یک‌سوم اعضا، در آلمان یک‌دهم اعضا و در فرانسه سه‌چهارم اعضا حق دارند اقدام به دعوت تشکیل مجامع عمومی کنند (ایران: تبصره «۱» ماده (۳۵)؛ آلمان: ماده (۴۵)).

۴. در هر سه کشور اعضای شرکت‌های تعاونی حق دارند سهم خود را به عضو دیگر یا افراد جدید واگذار کنند (ایران: ماده (۲۲)؛ آلمان: ماده (۸۳)).

۵. در نظام‌های حقوقی مذکور، حق بهره‌وری از سود خالص پس از محاسبه همه کسورات قانونی، وجود دارد (ایران: بند «۵» ماده (۲۵)؛ آلمان: ماده (۱۹)؛ فرانسه: ماده (۵۸۵)).

۶. در هر سه کشور اعضای تعاونی حق انتخاب شدن برای عضویت در هیئت‌مدیره و بازرسی را به‌منظور اداره امور شرکت دارند (ایران: ماده (۳۶)؛ فرانسه: ماده (۵۶۸)).

۷. خروج اختیاری از شرکت، استفاده از پاداش سالانه و خدمات عمومی تعاونی از دیگر حقوقی است که هر عضو تعاونی در سه کشور دارا هستند (ایران: ماده (۱۲)؛ آلمان: ماده (۷۱)؛ فرانسه: ماده (۵۲)).

۸. در ایران طبق ماده (۲۳) قانون بخش تعاونی مصوب ۱۳۷۰، مسئولیت مالی اعضا محدود به میزان سهام آنان است مگر آنکه در قرارداد ترتیب دیگری شرط شده باشد. در کشور آلمان هر دو نوع مسئولیت (محدود و تضامنی) برای اعضای شرکت تعاونی لحاظ شده است. تبصره «۳» ماده (۳) مقرر می‌دارد: مسئولیت اعضا محدود به میزان سهام آنان است مگر آنکه اساسنامه تعاونی، شرایط دیگری را که مورد تأیید همه اعضا در موقع عضویت باشد، اعلام کند. طبق ماده (۱۱۵) نیز به هنگام اعلام ورشکستگی تعاونی، مسئولیت اعضا نامحدود است.

در فرانسه مسئولیت اعضا به نوعی مسئولیت محدود است، اما برخلاف ایران و آلمان که مسئولیت محدود در تعاونی‌ها محدود به میزان سهام اعضاست، در فرانسه مسئولیت

اعضا محدود به پنج برابر سهام به اضافه مبلغ کل سهام شرکت است (ماده (۵۹۱) قانون تعاون فرانسه). در این کشور مسئولیت اعضا با کناره‌گیری از بین نمی‌رود بلکه فرد تا پنج سال به نسبت سهام خود در شرکت موظف به پرداخت دیونی است که شرکت در زمان کناره‌گیری او به عهده داشته است (ماده (۵۴۶)).

۴-۳-۵ بررسی تطبیقی سرمایه و سهام در شرکت‌های تعاونی

۱. در ایران سرمایه شرکت تعاونی را یا به صورت کامل توسط اعضا و یا بخشی از آن را نهادهای عمومی تأمین می‌کنند و زمانی شرکت به ثبت می‌رسد که حداقل یک سوم سرمایه آن تأدیه شود. در آلمان نحوه و زمان پرداخت سرمایه را مجمع عمومی تعیین و اعلام می‌کند ولی از مفاد قانون تعاون مستفاد می‌شود که سرمایه را اعضا و مؤسسات حقوقی تأمین می‌کنند. در فرانسه اعضا سرمایه را تأمین می‌کنند و زمانی تعاونی به ثبت می‌رسد که یک‌دهم سرمایه آن تأدیه شود.

۲. در هر سه کشور سهم هر عضو مبین سرمایه و میزان منافع او در شرکت تعاونی است. در ایران و فرانسه سهام شرکت تعاونی متساوی‌القیمه و غیرقابل تجزیه و در آلمان قابل تجزیه به قطعات متعدد است. در ایران حداکثر میزان سهم هر عضو در تعاونی‌های با کمتر از بیست عضو تا ۱۵ درصد کل سهام و در تعاونی‌های با بیش از بیست عضو تا ۷ درصد کل سهام است، در حالی که در آلمان حداکثر سهم هر فرد معادل یک‌دهم سرمایه شرکت است (شهریور، ۱۳۸۰: ۷۸-۷۷).

۶ مقایسه شرکت تعاونی سهامی عام و شرکت سهامی عام

با توجه به مباحث و توضیحات مطرح شده دیگر به بررسی تفصیلی ویژگی‌های شرکت‌های سهامی نمی‌پردازیم و به اجمال، تفاوت‌های شرکت تعاونی سهامی عام و شرکت سهامی عام را بیان می‌کنیم:

جدول ۳ تفاوت‌های شرکت تعاونی سهامی عام و شرکت سهامی عام

ردیف	شرکت‌های تعاونی سهامی عام	مستندات قانونی مربوط به شرکت‌های تعاونی سهامی عام	شرکت‌های سهامی عام
۱	مالیات ابرازی این نوع شرکت‌ها شامل ۲۵ درصد معافیت می‌شود.	تبصره «۶» ماده (۱۱) قانون اصل (۴۴)	هیچ نوع معافیت مالیاتی برای این نوع شرکت‌ها در قانون وجود ندارد.
۲	تخفیف حق بیمه سهم کارفرما برای اعضای شاغل (۴۴) در این شرکت‌ها به میزان ۲۰ درصد در قانون آمده است.	جزء «۲» بند «ج» ماده (۹) قانون اصل	هیچ نوع تخفیف حق بیمه برای این شرکت‌ها در قانون لحاظ نشده است.
۳	در همه مواردی که دولت برای حمایت از بخش غیردولتی مشوق‌هایی در نظر می‌گیرد، این حمایت برای این نوع شرکت‌ها ۲۰ درصد بیش از شرکت‌های سهامی عام خواهد بود.	بند «ب» ماده (۹) قانون اصل (۴۴)	چنین مشوقی برای شرکت‌های سهامی عام در قانون لحاظ نشده است.
۴	ارائه مشاوره، کمک به ارتقای بهره‌وری، آموزش کارآفرینی، مهارت و کارآموزی به صورت رایگان برای این شرکت‌ها انجام می‌شود.	جزء «۳» بند «ج» ماده (۹) قانون اصل (۴۴)	چنین مشوقی برای شرکت‌های سهامی عام در قانون لحاظ نشده است.
۵	پرداخت یارانه سود تسهیلات بانکی و سایر هزینه‌های سرمایه‌گذاری اولیه برای	جزء «۴» بند «ج» ماده (۹) قانون اصل (۴۴)	هیچ یارانه‌ای برای سود تسهیلات بانکی این نوع شرکت‌ها در نظر گرفته

جدول ۳ تفاوت‌های شرکت تعاونی سهامی عام و شرکت سهامی عام

ردیف	شرکت‌های تعاونی سهامی عام	مستندات قانونی مربوط به شرکت‌های تعاونی سهامی عام	شرکت‌های سهامی عام
	این نوع شرکت‌های تعاونی صورت می‌پذیرد.		نشده است.
۶	کمک به انجام مطالعات، تهیه طرح، راه‌اندازی بانک اطلاعاتی، تملک و آماده‌سازی اراضی شرکت‌های تعاونی سهامی عام در قانون آمده است.	جزء «۵» بند «ج» ماده (۹) قانون اصل (۴۴)	در زمینه کمک به ایجاد و راه‌اندازی این نوع شرکت‌ها هیچ‌گونه تمهیدی در قانون اندیشیده نشده است.
۷	شرکت‌های تعاونی سهامی عام از تسهیلات بانک توسعه تعاون به‌عنوان بانک تخصصی بخش تعاونی می‌توانند استفاده کنند.	بند «و» ماده (۹) قانون اصل (۴۴)	این شرکت از حمایت هیچ بانکی در کشور برخوردار نیست.
۸	تعاونی‌های سهامی عام می‌توانند از ظرفیت‌های قانونی صندوق ضمانت سرمایه‌گذاری تعاون برای تضمین بازپرداخت تسهیلات بانکی در مواردی که توان تأمین ضمانت ندارند، استفاده کنند.	تبصره «۱» بند «و» ماده (۹) قانون اصل (۴۴)	این نوع شرکت‌ها از چنین حمایتی برخوردار نیستند.
۹	حداکثر سهم هر شخص حقیقی (مستقیم و غیرمستقیم) در این نوع شرکت‌ها نباید	جزء «۱» ماده (۱۲) قانون اصل (۴۴)	چنین محدودیتی در شرکت‌های سهامی عام وجود ندارد.

جدول ۳ تفاوت‌های شرکت تعاونی سهامی عام و شرکت سهامی عام

ردیف	شرکت‌های تعاونی سهامی عام	مستندات قانونی مربوط به شرکت‌های تعاونی سهامی عام	شرکت‌های سهامی عام
			از ۰/۵ درصد سرمایه شرکت تجاوز کند (توزیع سرمایه گذاری و مشارکت اقتصادی، اجتماعی و عدالت محوری)
۱۰	سهم اشخاص حقوقی سهام‌دار شرکت تعاونی سهامی عام بیش از ۵ درصد نیست. حاکم سهم تعاونی‌های فراگیر ملی و سهامی عام در شرکت تعاونی سهامی عام ۱۰ درصد است.	جزء «۲» ماده (۱۲) قانون اصل (۴۴)	چنین محدودیتی برای شرکت‌های سهامی عام وجود ندارد.
۱۱	در زمان افزایش سرمایه، تعاونی‌های سهامی عام، حق تقدم خرید سهام برای کارکنان غیر سهام‌دار شرکت در صورتی که تمام یا برخی از سهام‌داران از حق تقدم خود استفاده نکنند، وجود دارد.	جزء «۴» ماده (۱۲) قانون اصل (۴۴)	در زمان افزایش سرمایه حق تقدم برای کارکنان این شرکت‌ها وجود ندارد.
۱۲	همه سهام این شرکت‌ها بانام است.	جزء «۶» ماده (۱۲) قانون اصل (۴۴)	سهام این شرکت‌ها می‌تواند بانام یا بی‌نام باشد.
۱۳	این شرکت‌ها با مجوز و	ماده (۱۲) قانون اصل (۴۴)	این شرکت‌ها نیازی به

جدول ۳ تفاوت‌های شرکت تعاونی سهامی عام و شرکت سهامی عام

ردیف	شرکت‌های تعاونی سهامی عام	مستندات قانونی مربوط به شرکت‌های تعاونی سهامی عام	شرکت‌های سهامی عام
	نظارت وزارت تعاون تشکیل می‌شود.		مجاز وزارت تعاون نداشته و تحت نظارت وزارت تعاون نیستند.
۱۴	شرکت‌های تعاونی سهامی عام می‌توانند اتحادیه تشکیل داده و عضو اتاق تعاون شوند و از مزایای آن استفاده کنند.	جزء «۷» ماده (۱۲) قانون اصل (۴۴)	برای شرکت‌های سهامی عام در قانون چنین راهکاری دیده نشده است.

۷ جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

یکی از راهکارهای حقوقی برای نیل به اهداف سیاست‌های ابلاغی مقام معظم رهبری که در قانون اجرای سیاست‌های اصل (۴۴) آمده، تشکیل و توسعه تعاونی‌های سهامی عام است؛ چرا که با امعان نظر به نحوه تشکیل، حقوق و وظایف سهام‌داران، مجمع عمومی، اداره شرکت و نظارت‌های اعمال شده درمی‌یابیم که ابزاری بسیار کارآمد در تحقق عدالت اجتماعی، بازتوزیع ثروت و ورود افراد ضعیف و کم‌درآمد به عرصه سرمایه‌گذاری‌های کلان است.

با توجه به مباحث مطرح شده، اگرچه در عمل وزارت تعاون؛ شرکت‌های تعاونی سهامی عام را نوعی شرکت‌های سهامی می‌داند و معتقد است که شرکت‌های سهامی می‌توانند به دو صورت سهامی عام و تعاونی سهامی عام تشکیل شوند و اگرچه با توجه به منطوق بند «۹» ماده (۱) قانون نحوه اجرای سیاست‌های اصل (۴۴)، شرکت‌های تعاونی سهامی عام، نوعی از شرکت‌های سهامی تعریف شده‌اند ولی نظر به تفاوت‌های بیان شده و

برخورداری این شرکت‌ها از امتیازات شرکت‌های تعاونی و پیش‌بینی سازوکارها و نهادهای جدید و بی‌سابقه در قانون تجارت چون بلوک‌بندی، محدودیت سهام برای اشخاص حقیقی و حقوقی و ... به نظر می‌رسد که با توجه به نبود سابقه قانونی این نوع شرکت‌ها در کشورهای دیگر، قانون نحوه اجرای سیاست‌های اصل (۴۴) با ذکر «شرکت تعاونی سهامی عام» و با مدنظر قرار دادن هدف سیاست‌های کلی اصل (۴۴) ابلاغی از سوی مقام معظم رهبری (عدالت اقتصادی)، به دنبال تأسیس شرکت جدیدی با سازوکارها و ویژگی‌های مخصوص به خود است. این شرکت دارای ماهیتی مختلط است و عملاً از قواعد تعاونی و سهامی و گاه قواعد خاص خود تبعیت می‌کند و از این حیث انطباقی با شرکت‌های متداول در قانون تجارت ندارد.

به بیان دیگر تصویب‌کنندگان این قانون به دلیل مشکلات شرکت‌های تعاونی و سهامی عام و ناتوانی آنها در ایجاد عدالت اقتصادی، به دنبال تأسیس شرکت دیگری در عرض شرکت‌های تعاونی و سهامی عام بوده‌اند و جعل نام «شرکت تعاونی سهامی عام» نباید سبب شود که آن را نوعی شرکت تعاونی یا سهامی بدانیم. بهتر است بگوییم که این «نام» برای این شرکت‌ها مناسب نیست و شاید انتخاب عنوان دیگری مناسب‌تر بود ولی در هر حال این ماهیت حقوقی جدید باید مورد توجه و شناسایی قرار گیرد تا با ترویج آن در بسترهای حقوقی فضای کسب و کار امکان فعالیت آنها به نحو گسترده‌تری فراهم شود چرا که به نظر می‌رسد این ساختار برای رفع مشکلات تعاونی‌های متعارف از ساختار مستحکم‌تری برخوردار است.

منابع و مأخذ

۱. اسکینی، ربیعا (۱۳۸۹). حقوق تجارت (شرکت‌های تجاری)، ج ۱، تهران، نشر سمت، چاپ پانزدهم.
۲. _____ (۱۳۸۸). حقوق تجارت (شرکت‌های تجاری)، ج ۲، تهران، نشر سمت، چاپ دوازدهم.
۳. افتخاری، جواد (۱۳۸۰). حقوق تجارت - ۲ (نظری و کاربردی) شرکت‌های تجاری، تهران، نشر ققنوس، چاپ اول.
۴. حسنی، حسن (۱۳۸۳). حقوق تعاون - شرکت‌های تعاونی، تهران، مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، چاپ سوم.
۵. روزبهانی، ناصر (۱۳۸۷). قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل چهل و چهارم (۴۴) قانون اساسی / ابلاغی از سوی مقام معظم رهبری (به انضمام گزارش‌های کمیسیون ویژه بررسی و سایر کمیسیون‌های تخصصی مجلس شورای اسلامی، مشروح مذاکرات، ایرادات و نظرات شورای نگهبان و مجمع تشخیص مصلحت نظام)، تهران، معاونت حقوقی، امور مجلس و تفریح بودجه، دفتر حقوقی امور مجلس، چاپ اول.
۶. ستوده تهرانی، حسن (۱۳۸۴). حقوق تجارت، ج ۲، تهران، نشر دادگستر، چاپ ششم.
۷. نقیعی، سیدحسین (۱۳۸۸). مجموعه مقررات اصل (۴۴) قانون اساسی (محشی، تحلیلی و کاربردی)، تهران، انتشارات اتاق بازرگانی و صنایع و معادن جمهوری اسلامی ایران، چاپ دوم.
۸. شهرپور، علی حسین (۱۳۸۰). حقوق تعاون (ایران، آلمان، فرانسه)، تهران، نشر پایگان، چاپ اول.
۹. قانون اصلاح موادی از قانون برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران و اجرای سیاست‌های کلی اصل چهل و چهارم (۴۴) قانون اساسی، مصوب ۱۳۸۶/۱۱/۸.
۱۰. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران.
۱۱. قانون بخش تعاونی اقتصاد جمهوری اسلامی ایران با آخرین اصلاحات، مصوب ۱۳۷۷/۷/۵.
۱۲. وزارت تعاون (۱۳۷۳). قانون تعاون در جمهوری فدرال آلمان، مصوب ۱۹۹۳، ترجمه مهدی محمدی، انتشارات وزارت تعاون.
۱۳. وزارت تعاون، قانون تعاون جمهوری فرانسه، مصوب ۱۹۸۳، دفتر تحقیقات وزارت تعاون.

14. <http://www.icm.gov.ir>

15. <http://www.khamenei.ir>